

سمانه منصوری

پژوهشگر و تحلیلگر اقتصاد و جامعه آمریکایی
پژوهشگر دانشکده حضرت زینب علیها السلام و همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

یادداشت تحلیلی

جنگ تعرفه‌ها، نتیجه احساس خطر از افول قدرت

بررسی و علت‌یابی اقدامات ایالات متحده در برهم زدن بازی تجارت جهانی

این مشکل را نمی‌توان به راحتی برطرف کرد^۲.

دوم: یکی از دلایلی که ترامپ حاضر شده است بار سنگین این سیاست تعرفه‌ای سنگین را بر اقتصاد آمریکا تحمیل کند، ترس از چین و تبدیل اقتصادشان به قدرتمندترین اقتصاد دنیا بوده است. به عقیده بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران، چین تا سال ۲۰۳۰ به قدرتمندترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد و به تبع آن، جای آمریکا را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی جهان خواهد گرفت. بر همین اساس، ترامپ با راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ای علیه چین، به سیاست‌های ضد رقابتی روی آورده است تا با کاهش توان رقابتی چین و سایر کشورها، از این رویداد عظیم در عرصه قدرت جهانی جلوگیری کند. به عبارتی آمریکا تلاش می‌کند که بر روی کالاهای

صاحب‌نظران خود ایالات متحده در حوزه اقتصادی را برانگیخته است؛ به عنوان نمونه، پروفیسور رابرت بارو استاد سرشناس دانشگاه هاروارد که به عنوان یکی از پایه‌گذاران مکتب اقتصاد کلان کلاسیک جدید شناخته می‌شود، راجع به سیاست جدید اقتصادی ترامپ می‌نویسد: «سیاست‌های تجاری رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، به شدت مایه نگرانی هستند. سیاست‌های تجاری دولت ترامپ تحت تأثیر این تفکر منسوخ مرکانتیلیستی قرار دارد که فروش کالاها (صادرات) خوب و خرید کالاها (واردات) بد است... مشکل بزرگ‌ترین است که ظاهراً ترامپ یک علاقه شخصی به وضع تعرفه‌های تجاری دارد، زیرا فکر می‌کند تعرفه خاصیتی جادویی دارد و از طریق کنترل واردات و جایگزینی آن با تولید داخل، موجب افزایش درآمد و تولید ناخالص داخلی می‌شود.

ریشه وقوع این درگیری اقتصادی آمریکا با جهان، در سیاست‌های انتخاباتی و انحصارگرایانه مقطعی ترامپ نیست، بلکه این مسئله ریشه در نگرانی سردمداران آمریکا از خطر افول ارکان قدرت سخت و نرم این کشور در دهه‌های پیش رو دارد.

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی اخیر آمریکا، وضع تعرفه‌های تجاری جدید است. در ابتدای سال ۲۰۱۸، تعرفه ۳۰ درصدی و مالیات ۲۰ درصدی بر برخی از کالاهای صادراتی چین اعمال شد. دولت چین رسماً از اتخاذ سیاست‌های تقابلی علیه کالاهای آمریکایی خبر داد و در ماه آوریل ۲۰۱۸، بیش از ۳ میلیارد دلار تعرفه گمرکی بر واردات محصولات آمریکایی اعمال کرد. در همین راستا به چند نکته اشاره می‌گردد:

اول: این تصمیم‌گیری، اعتراض بسیاری از تحلیلگران و

2- <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-rade-olicy-lowing-economic-rowth-y-obert-arro-019-6?barrier=accesspaylog>

1- Robert J. Barro

صادراتی چین، تعرفه وارداتی یا مالیات گمرکی سنگین وضع می‌کند تا در نتیجه، قیمت نهایی آن‌ها افزایش یافته و اقبال به خریدشان کم شود و این‌گونه بازار مصرفی این ابرشرکت‌های بین‌المللی چینی را به زمین بزند و اقتصاد روبه‌جلو آنان را به ورطه نابودی بکشانند. نکته مهم و قابل توجه در این زمینه، آن است که چین در عرصه تولید و مهم‌تر از آن در عرصه نوآوری و خلاقیت - که زنجیره اول تولید محسوب می‌شود- بر آمریکا پیشی محسوسی گرفته و بر همین اساس، توانسته است بازارهای جهانی را به سمت خود هدایت کند. از سوی دیگر، مشخص می‌شود که آمریکا، به‌عنوان ابرقدرت اقتصادی جهان توان رقابت خود را در عرصه نوآوری‌های تولید اذ دست داده و حرف جدید و درخور توجهی در این زمینه نداشته است. پس مانند همیشه می‌کوشد تا به جای رقابت سالم با راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ای ضعیف و ناتوانی خود را جبران کند و جایگاه ابرقدرتی خود را حتی به صورت پوشالی حفظ نماید.

سوم: برخی معتقدند اعمال این سیاست‌ها بدون کوچک‌ترین تأملات و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی است و صرفاً مصرف انتخاباتی دارد و تنها به این دلیل که ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ دست‌پربه‌کارزار انتخابات وارد شده، اعمال شده است. دست‌پرازی این جهت که همواره جبران کسری تراز تجاری

اقتصاد آمریکا در مقابل چین و سایر رقبا، یکی از اصلی‌ترین شعارهای انتخاباتی ترامپ بوده است و اگر در انتخابات آینده گامی مثبت در راستای رفع و حل آن برداشته نشود، قطعاً به ضرر وی تمام خواهد شد. باین حال، بسیار واضح است که ریشه وقوع این درگیری اقتصادی آمریکا با جهان، در سیاست‌های انتخاباتی و انحصارگرایانه مقطعی ترامپ نیست، بلکه این مسئله ریشه در نگرانی سردمداران آمریکا از خطر افول ارکان قدرت سخت و نرم این کشور در دهه‌های پیش رو دارد؛ زیرا در پی چندین دهه جنگ طلبی و مداخله جویی فرا منطقه‌ای آمریکا، نه تنها این کشور به‌عنوان مقروض‌ترین دولت جهان شناخته می‌شود، بلکه نسبت به سال ۱۹۴۵ در میان متحدان خود از کمترین اعتبار سیاسی برخوردار بوده، لذا بدیهی است که اتخاذ سیاست جنگ تعرفه‌ها نه یک جنگ پیش‌دستانه و مقتدرانه بلکه تقلایی از سرنامیدی سردمداران آمریکا نسبت به احیای اقتدار آمریکا است.

چهارم: یکی دیگر از تحلیل‌های کلیدی که در حوزه اقتصاد آمریکا مطرح می‌شود و براساس آمارهای دولتی منتشر شده در این کشور بوده، این است که اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۱ یا حتی زودتر از آن، با بحران جدی اقتصادی مواجه می‌شود که این امر، چالش‌هایی را برای اقتصاد آمریکا در بخش‌های

مختلف ایجاد می‌کند. همین ترس از بحران و رکود اقتصادی، موجب شده تا کاخ سفید راهکارهایی اضطراری را برای نجات اقتصاد آمریکا از این وضعیت، مورد بررسی قرار دهد. یکی از راهکارهای اعمال تعرفه‌های سنگین بر چین، به‌عنوان یکی از واردکننده‌های اصلی به آمریکا است. با این توجیه که با کاهش واردات، مصرف تولیدات داخلی تقویت می‌شود تا بخشی از رکود ایجاد شده در اقتصاد آمریکا، ترمیم و جبران شود.

پنجم: سیاست‌های اخیر آمریکا در حوزه مبادلات تجاری، به‌خصوص مرادوات تجاری آمریکا با چین، نوسانات گسترده‌ای را در بازارهای جهانی ایجاد کرده است. شاید بخش زیادی از این نوسانات به دلیل عدم اطمینان به آینده سیاست بازار جهانی یا به عبارتی بازار آزاد میان کشورها است. آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل اقتصاد سرمایه‌داری، همواره همه کشورها را به سمت بازار آزاد فراخوانده است اما حالا که چرخ‌های این سیاست به نفع او نچرخیده، یک طرفه همه قواعد و قوانین بازار آزاد تجاری را برهم زده است. طبق همین قاعده، این نگرانی نیز وجود دارد که ترامپ بر کالاهای وارداتی از مکزیک، اتحادیه اروپا، ژاپن و سایر کشورها نیز تعرفه وضع کند که این، یعنی ضرر تمام عیار به اقتصاد کشورهایی که به آمریکا و سیاست‌های اقتصادی به‌ظاهر فریبنده او دل خوش بوده‌اند.